

بسم رب المهدی (عج)

دوره آموزش مباحث مهدویت

جلسه صد و بیست و یکم

تربیت رسانه ای و نسل منتظر

جلسه پنجم

استاد نصرالله پور

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

در ادامه جلسات قبل در رابطه با مسئله تربیت رسانه ای نکاتی را

خدمت شما عرض می کنم

والدین در برخورد با رسانه ها سه رویکرد دارند.

یک عده خوش بین هستند و یک عده بد بین هستند و یک عده هم

واقع بین هستند که طبیعتاً نحوه رفتار هر کدام از این سه گروه

تفاوت زیادی با هم دارد.

گروه اول به رسانه ها خوشبین هستند اینها فقط فرصت ها و مزایا و

خوبی های رسانه ها را می بینند و طرفدار استفاده نامحدود و بی حد

و حصر از رسانه ها هستند و معتقدند که خودشان و فرزندانشان باید

آزادی مطلق رسانه ای داشته باشند با هر گونه ممانعت و فیلتر هم
مخالفند در واقع صورت مسأله را پاک می کنند و خوشبینانه نگاه می
کنند در کل معتقدند ویروس مال دیگران هست به هر قیمتی که
شده باید بروز باشیم تصویرشان هم این هست.

والدینی که از این گروه هستند اعتقاد دارند که بچه ها هر چه بیشتر
از رسانه و فناوری ها استفاده بکنند ضرر نمی کنند و اتفاقا اعتقاد
دارند هر چه بیشتر استفاده کنند بچه ها دچار کمبود یا عقب ماندگی
نسبت به همسالان نشوند و در واقع از آن دسته والدینی هستند که
برای رفاه فرزندان شان تمام خواسته های آنها از جمله خواسته های
رسانه ای را و هر تبلتی، و اینترنت نامحدود و مدت زمان نامحدود
استفاده

گروه دوم والدینی هستند که به رسانه بدبین اند اینها فقط آسیب
های رسانه را می بینند و یک حالت هراسی در وجودشان هست و به
دیگران هم سعی می کنند القا کنند و در برابر رسانه ها برخورد
قرنطینه ای دارند.

این گروه برخورد سلبی دارند با رسانه و صورت مسأله را از آن طرف
پاک می کنند. در این نگاه از نظر پدر و مادر بچه ها در فضای
مجازی همیشه مجرمند مگر اینکه خلافتش ثابت شود. اینها عینک
بدبینی نسبت به تمام رسانه ها بر چشم دارند .

آنقدر تهدید ها و آسیب های رسانه را درشت کردند برای خودشان
که هیچ گونه فرصتی برای دیدن مزایای رسانه به خودشان یا
فرزندانشان نخواهند داد.

اینها به محض اینکه ببینند فرزندانشان از رسانه استفاده می کنند فوراً دچار اضطراب و آشفتگی می شوند و دیگر آن بدترین حالت و عواقب را برای فرزند خودشان تصور می کنند.

در برابر این دو گروه، که گروه اول که خوش بین محض اند و گروه دوم بدبین محض اند گروه سومی هم هستند که واقع بین اند که تلاش می کنند هم از رسانه استفاده کنند و هم اینکه سعی می کنند خود و فرزندان را توانمند کنند در برابر رسانه

اگر رسانه را رقیبی در مقابل روش تربیتی خودشان می بینند به جنگ این رقیب بروند و در واقع با استفاده محدود و مشروط از رسانه مشکلی ندارند سعی می کنند خانواده را در مقابل آفت ها و آسیب های رسانه ایمن سازی کنند و استفاده از رسانه ها را مدیریت می

کند و راه درست و راه عالمانه و عاقلانه هم همین است که ما نسبت
به پدیده رسانه واقع بین باشیم و تلاش کنیم خودمان را توانمند
کنیم. فرزند زمان خودمان باشیم.

اگر والدین بخواهند مسئولیت پذیری را نسبت به فرزندان ادا کنند
باید با علم و قدرت برخورد کنند نه با جهل و نادانی با خوشبینی
برخورد کنند. البته خوش خیال هم نباشیم.

باید به فکر برنامه ریزی باشیم به فکر رشد خود باشیم تا بتوانیم از
مزایای رسانه بهترین بهره برداری را کنیم و در واقع از شر رسانه به
خیر رسانه پناه ببریم. لذا والدین در نگاه واقع بینانه به فرصت ها و
تهدید های رسانه نگاه منطقی کنند نه فرصت های رسانه را انکار می
کنند و نه فقط آسیب ها را بینند.

لذا بایستی یک ضریب منطقی و درستی به تهدید ها و فرصت های رسانه بدهیم.

گاهی می توانیم با کنترل رسانه ها استفاده درست کنیم و از آسیب هایش هم در امان باشیم.

والدینی که واقع بین باشند بر اساس سن فرزندشان، میزان تحصیلات و قوه درک و تحلیل فرزندانشان او را در معرض پیام های رسانه قرار می دهند. نه صورت مساله قرار می دهند و نه از رسانه می ترسند و نه اینکه فرزند خودشان را در دنیای وحشتناک رسانه تنها رها می کنند. پله پله و آرام آرام فرزند خودشان را در برابر پیام های منفی و آسیب ها و آفت های رسانه واکسینه می کنند.

شما ممکن است این دسته بندی سه گانه ای که عرض کردیم را خیلی بدیهی بدانید.

و بفرمایید که ما نه خوش بین هستیم و نه بدبین ما آدم های واقع
بینی هستیم . اما متاسفانه بررسی ها نشان می دهد که بیشتر والدین
در برخورد با رسانه ها یا نگاه افراطی دارند یا نگاه تفریطی یا دائما
نگران و ترسانند و قرنطینه ای برخورد می کنند محدودیت های غلط
ایجاد می کنند یا در مواجهه با رسانه ها رها و آزاد برخورد می کنند
و به حساسیت های دوران کودکی و نوجوانی فرزندشان توجه نمی
کنند.

نکته ای که اینجا باید عرض کنیم در مورد زاویه دید هست مثلا یک
سازه ای را گذاشته اند در یک میدانی شما از یک زاویه ای که نگاه
کنید مثلا یک مقدار سیم و آهن و در واقع چیز خاصی نمی بینید اما
اگر از زاویه دیگری نگاه کنید متوجه می شوید که با یک تصویر و

عکسی یا مجسمه ای که خیلی گویا هست و مفهوم دارد و مفهوم

خوبی را از آن دریافت می کنید مواجه می شوید.

در مواجهه با رسانه ها باید از زاویه درست هر رویداد نگاه کنیم.

او که واقع بینانه سمت رسانه می رود قبل از هر اقدامی و قبل از هر

قضاوتی به ویژگی های مخاطبینش دقت می کند .

هر رسانه ای گاهی برای یک مخاطب خوب است و برای یک مخاطب

بد است برای یک گروه سنی فرصت هست برای یک گروه سنی

تهدید هست. لذا حجم بسیار زیادی از اطلاعاتی که به شدت نگاه

منفی به رسانه ها دارند مربوط به مخاطب نوجوان و کودک هست.

خیلی از آسیب ها و آفت ها مربوط به کودک و نوجوان می شود.

لذا مقوله و مسئله تربیت فرزند آنقدر ظرافت و حساسیت دارد که باید دقت زیادی شود و قوانین و قواعدی که نسبت به مسئله کودک و نوجوان مربوط می شود. یادگیری و آموزش در دوران کودکی ظرافت زیادی دارد به روایت زیبای آقا رسول الله که فرمودند مثل الذی یتعلم فی صغره کالنقش فی الحجر

مثل آن کسی که در کودکی به یادگیری مطلبی بپردازد همانند حکاکی بر سنگ است.

در کنز العمال جلد ده صفحه ۲۴۹

مشابه همین حدیث را امیرالمومنین علیه السلام فرمودند یادگیری در کودکی مثل نقش کردن بر روی سنگ است.

بخش مهمی از شخصیت بچه ها در کودکی شکل می گیرد.

رسانه ها و آنها که پشت این رسانه ها قرار دارند سنگ شناسان
ماهری هستند . رسانه ها با ظرافت و ماهرانه ها آنچه را که می
خواهند بر شخصیت فرزندان ما نقش می اندازند . با ابزار قصه لذت در
اعماق وجود کودکان نفوذ می کنند و آن نقشی را که می خواهند بر
سنگ وجود بچه ها حک می کنند.

به بعضی از تاثیرات رسانه ها بر روی بچه ها در ادامه بحث اشاره
خواهیم کرد.

یکی از فعالیت های سرگرم کننده و تنها فعالیتی که باعث کم شدن
شادابی بچه های ما می شود تلویزیون دیدن است . تماشای کارتون
بچه ها را سرگرم می کند اما شاداب نمی کند.

در یکی از کشورها متخصصین معتقد بودند که بچه ها می توانند دو

تا سه ساعت تلویزیون تماشا کنند اما به تازگی اعلام کردند بیشتر از

یک تا دو ساعت برای کل رسانه ها نباید در نظر گرفته شود.

روی مغز بچه ها تاثیر می گذارد و آثار منفی برای آینده آنها دارد.

تماشای بیش از حد تلویزیون مخصوصا در بچه های کم سن و سال

نتیجه اش این هست که رو اعصاب بچه ها اثر می گذارد باعث کند

ذهنی آنها می شود.

کارتون هایی که بچه ها می بینند معمولا رفتارهای خشونت آمیز هم

دارند و این روی بچه ها اثر می گذارد.

پژوهش ها نشان می دهد که در آمریکا در دوران ابتدایی شاهد دیدن

حداقل هشت هزار قتل و بیش از صد هزار رفتار خشن در تلویزیون

هستند .لذا این اضطراب ها و تشویش هایی که بچه ها دارند بخش
زیادی بخاطر تلویزیون هست .

اگر بچه ها بی حساب و کتاب تلویزیون نگاه کنند گرایش بچه ها به
خشونت و پرخاشگری را افزایش می دهد.از خلاقیت فکری بچه ها
می کاهد

بچه هایی که کمتر تلویزیون می بینند خلاق ترند توانایی جست و
خیز بیشتری دارند.

یکی از پژوهشگران فضای رسانه حرف عجیبی می زند می گوید
زمانی ناراحت بودم که فرزندانم نمی توانند از تلویزیون منفعتی ببرند
و الان ناراحتم که الان نوه هایم از صدمه تلویزیون در امان نباشند .

تلویزیون برای بچه های مملکت یک سرگرمی بی حاصل و بی نتیجه
هست.

در دنیای امروز متاسفانه دوران کودکی و طفولیت منقرض شده و
مفهومی به نام بلوغ و نوجوانی هم مخدوش شده در واقع دوران
طفولیت به سرعت به دوران کودکی منجر می شود.

آقای نیل پستمن کتابهای زیادی دارد که در کتاب نقش رسانه های
تصویری در زوال دوران کودکی می گوید: با دلایل مختلفی از مرگ
دوران کودکی صحبت می کنند می گوید تلویزیون را خاموش کنید
روشن شدن تلویزیون ممکن است تبدیل شدن کودک به انسانی بالغ
را خاموش کند .

در رسانه امروز وجود تمایز بین کودک و بزرگسال تا حدودی از بین
رفته و آنها در ذائقه، لباس پوشیدن و سبک اجتماعی یکی شده اند.

دوران طفولیت و کودکی و نوجوانی و دوران بلوغ دیگر مرزها از بین

رفته و رفتارها شبیه هم شده و آنها در ذائقه در سلیقه در سبک

لباس پوشیدن و در رفتارهای اجتماعی یکسان شده اند.

در تبلیغات و در فیلم های سینمایی انبوهی از بچه های خردسال را

می بینید که رفتارهای بزرگسالانه از خود نشان می دهد.

لذا نگاه کردن به بچه ها به این رفتار ها در تلویزیون تاثیرات خاص

خودشان را می گذارد روی آنها.

به قول یکی از روان شناس ها بچه ها از زمانی که به دنیا می آیند از

همان ابتدا تقلید را شروع می کنند و کمی بعد با خیال پردازی آشنا

می شوند.

کودکان ارتباط کمتری با افراد و گروههای مختلف دارند و آنچه که

در ذهنشان هست پیچیدگی زیادی ندارد.

بنابراین آنچه را در رسانه می بینند نمی توانند پردازش کنند و

معمولا رفتارها را یاد می گیرند و تقلید می کنند.

و بچه هایی که به علت نزدیکی به طبیعت دست نخورده طبیعی تر

و سالمتر نشان می دادند در زمان ما دیگر مثل بزرگترها رفتار می

کنند و در واقع دوران کودکی از دست می رود.

بچه ها خیلی آرام پای تلویزیون می نشینند و حرکات داخل برنامه را

می بینند که به هم مشت می زنند و در واقع دفاع می کنند از

خودشان در مقابل کتک خوردن یا کتک زدن لذا این دعوا کردن یا

غریزه دعوا کردن در وجود بچه ها فعال می شود. ولی از آنجایی که در

مقابل تصاویر تلویزیون نمی توانند واکنشی از خودشان نشان دهند

احساسات خودشان را به نحوی کنترل می کنند. همان طوری که این

دعوا و مجادله ادامه پیدا می کند مشکلات روحی و روانی در وجود
بچه ها به وجود می آید.

فشار روحی و روانی وارد می شود . پدر و مادر خسته می شوند .
تلویزیون که خاموش میشود این انرژی فروخورده ای که بچه در
مقابل آن کتک زدن و خوردن ها و بزن و بگیرش فعال شده و اینها را
در درون خود فرونشانده حالا تبدیل می شود به یک سری رفتارهای
عجیب و غیرقابل کنترلی که معمولا ما به آن بیش فعالی می گوئیم و
معمولا تنها راه حل آرام کردن بچه هم روشن کردن تلویزیون هست
و این چرخه همین طور تکرار خواهد شد.

بچه هایی که معتاد به رسانه هستند معمولا افسرده اند اما افسردگی
بچه ها شبیه افسردگی بزرگسالان نیست که با غم و اندوهی خودش
را نشان بدهد با پرخاشگری و تمرکز نداشتن و قدرت توجه نداشتن

خودش را نشان می دهد. در برخورد با رسانه بچه ها در واقع استرس

می گیرند و هم عصبانی می شوند و هم می خندند و هم در یک

کلام هیجانی می شوند به شدت و بعد از آن هیجانات آنها که غلبه

پیدا کرد و زیاد شد گاهی اوقات باعث افزایش ضربان قلب و افزایش

تنفس و باعث حالت های میشود که برای سلامت آنها مضر است.

خلاصه اینکه اتفاقی که بر اثر استفاده از رسانه ها برای بچه ها افتاده

غم انگیز هست و اکثر خانواده ها گرفتار این مسئله هستند.

نکته بعدی در رابطه با این نکته هست که گاهی اوقات پدر و مادرها

یک انرژی خیلی زیادی از تلویزیون به سمت بچه ها می آید در

همین حالت که بچه ها بدون هیچ تحرکی جلوی تلویزیون نشسته

وقتی تلویزیون خاموش می شود این انرژی متراکمی که از تلویزیون

گرفتند

به یک شیوه های غیر منطقی از بچه ها سر می زند.

گاهی حالت بی فکری پیدا می کنند عصبانی می شوند

گاهی چیزی پرتاب می کنند گاهی نق می زنند و گاهی تمرکز و

توجه شأن کم می شود که همه اینها از آثار نگاه کردن تلویزیون

هست.

گاهی نوجوان نصف شب در حال دیدن فینال مسابقه فوتبال هست

در اوج هیجان یکباره فوتبالیست مطرح گل می زند آنچنان

هیجانانش به اوج می رسد که یک نگاه به سمت پدر و مادر یا خواهر

و برادر می کند که خواب هستند مجبور می شود داد نزند تمام این

انرژی ها درون او جمع می شود این آتش درون خاکستر خودش را
نشان می دهد .حتی ممکن است درون گرا شود بر اثر دیدن این
صحنه های هیجانی.

ممکن هست که ما در یک برخورد خوش بینانه با رسانه ها تصور
کنیم که مثلاً این انیمیشن و این بازی رایانه ای اشکال چندانی ندارد
اما وقتی دقت می کنیم می بینم نه بازی ها هر کدام آسیب های
خودش را دارد.

در جلسه بعد در این مورد صحبت خواهیم کرد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته